

اثبات ولایت امیر المؤمنین علیه السلام

از قرآن و سنت

جلد اول

www.ketab.ir

عبدالصمد ساکی

ساکی، عبدالصمد،
اثبات ولایت امیر المؤمنین علیه السلام از قرآن و سنت جلد اول / عبد الصمد ساکی
قم: طوبای محبت، ۱۳۹۰.

ج ۲

۲۹۰۰۰ تومان (دوره): ۷-۲۲-۶۰۸۵-۶۰۰-۹۷۸ ISBN

(جلد اول): ۱-۲۴-۶۰۸۵-۶۰۰-۹۷۸ ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. ولایت - جنبه های قرآنی. ۲. ولایت - احادیث. ۳. امامت - جنبه های قرآنی. ۴. امامت - احادیث. ۵. علی بن ابی طالب (ع)، ۲۳ قبل از
هجرت - ۴۰ ق. - اثبات خلافت - احادیث. ۶. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴ ق. - فضایل. الف. عنوان.

۲۹۷/۱۵۹

۲۲ الف ۲ س / ۱۰۴ BP

۱۸۹۳۵۴۸

۱۳۹۰

اثبات ولایت امیر المؤمنین علیه السلام از قرآن و سنت

مؤلف: عبد الصمد ساکی

ناشر: طوبای محبت

نظارت و چاپ: خدمات چاپ هادی (منصوری ۰۱۳۱ ۰۹۱۲ ۵۵۱)

تحقیق، منابع، ویراستاری: گروه تحقیقاتی طاهای علیهم السلام

تیراژ: ۲۰۰۰

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۱۳۹۰

قیمت دوره: ۲۹۰۰۰ تومان

شابک ج ۱: ۱-۲۴-۶۰۸۵-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۷-۲۲-۶۰۸۵-۶۰۰-۹۷۸

تلفن و نمابر: ۲۹۶۷ ۲۵۳ ۰۹۱۲ ۵۵۱ ۰۱۳۱ ۰۹۱۲ ۵۵۱ - ۷۷۴۰۰۶۶ - ۰۲۵۱

آدرس: قم، بلوار سمیه، خیابان شهیدین (عباس آباد)، پلاک ۱۱۲

www.tobaymohebat.ir

پخش: ۰۹۱۲ ۵۵۱ ۴۹۵۸

samad_saki@yahoo.com

امتیاز کتاب متعلق به مؤلف می باشد

فهرست

۱	مناظره کعبه و کربلا
۲	مقدمه
۹	۱- سوره الفاتحه
۲۳	۲- سوره البقره
۲۲۶	۳- سوره آل عمران
۳۲۴	۴- سوره نساء
۳۹۳	۵- سوره المائده
۵۲۰	۷- سوره اعراف
۵۶۸	۸- سوره انفال
۵۹۷	۹- سوره توبه
۶۴۵	۱۰- سوره یونس
۶۶۷	۱۱- سوره هود
۶۸۴	۱۲- سوره یوسف
۶۹۰	۱۳- سوره رعد
۷۰۶	۱۴- سوره ابراهیم
۷۱۹	۱۵- سوره حجر
۷۳۱	۱۶- سوره نحل
۷۶۰	۱۷- سوره اسراء (سیحان)
۸۰۱	۱۸- سوره کهف
۸۳۱	۱۹- سوره مریم
۸۵۳	۲۰- سوره طه

مناظره کعبه و کربلا

تو بیابانی و من بیت خدای اکبرم
من همه خون خدا می جوشد از بام و درم
من مطاف مسلمین از کهنتر و از مهترم
میزبان انبیا از اولین تا آخرم
تو کجا و من کجا تو دیگری من دیگرم
آن منم، زیرا مزار زاده ی پیغمبرم
این شرافت بس، که من خود زادگاه حیدرم
من حسین را گرفتم تا قیامت در بزم
وصف اسماعیل باشد خاطرات هاجرم
سمی هفتاد و دو ثارالله را یاد آورم
سالها و قرن ها جوشد زدامان، کوثرم
زمزم تو آب و من خون خدا را ساغر
من همانا بر تمام آفرینش محورم
تو کجا و کربلا هر چند هستی محترم
چند می گویی که من از کربلا بالاترم
کربلا گوید که من عرش خدا را زیورم
من هم آغوش ابوالفضل و علی اکبرم
شاهدم این دامن سرخ شهادت پرورم
عطر جنت می دهد از لاله های پرپر
خون ثارالله می جوشد ز هر نخل ترم
دست عباس است کافاده به خاک معبرم
آب آب تشنه گان افکنده بر جان آذر
از رباب و حنجر خشک علی اصغر

گفت با کرب و بلا کعبه من از تو برترم
کربلا در پاسخش گفتا اگر تو خانه ای
کعبه گفتا مرد و زن برگرد من آرد طواف
کربلا گفتا چه گویی هر شب آدینه من
کعبه گفتا انبیا برگرد من گردیده اند
کربلا گفتا که روح انبیا را کعبه ای است
کعبه گفتا مرتضی در من به دنیا آمده
کربلا گفتا علی بوده سه شب مهمان تو
کعبه گفتا من صفا و مروه دارم در کنار
کربلا گفت این منم در خیمه گاه و قتلگاه
کعبه گفتا چاه زمزم را در کنار من بین
کربلا گفتا که زمزم را که با خون حسین
کعبه گفتا بوده دحوالارض در دامن من
ناگهان از حق ندا آمد، حرم خاموش باش
هستی تو، خلقت تو، را طفیل کربلاست
کربلا دارد به کل آفرینش افتخار
من مزار پاک هفتاد و دو ثاراللهیم
مضجع العشاق فرموده علی نام مرا
اشک زهرا ریخته در دامن گلزار من
ذره ای از خاک من، درد خلایق را دواست
اینکه منی بوسد با هم انبیا و اولیا
گرچه در قلبم فرات و دجله می جوشد مدام
در بغل دارم فرات و تا قیامت شرمگین

نخل میثم نخله ای باشد ز نخلستان من
بیت آتشین آن بود برگ و برم

غلامرضا سازگار

ولایه علی بن ابی طالب حصینی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

ولایت علی بن ابیطالب حصار و قلعه من است هرکس وارد آن شود از عذاب من ایمن می‌شود^۱

مقدمه

شاید بعضی چنین برداشت نمایند که هر نوع بحث در باره مسأله ولایت امیرمؤمنان و اهل بیت گرامش علیهم السلام موجب بروز اختلاف میان مسلمانان شیعه و سنی شود. به نظر من این تصور غلط و غیرمنطقی است، زیرا که بحث‌های مستند و مستدل وقتی دور از ناسزا و تهمت و دروغ و افترا و سوءظن باشد نه تنها باعث اختلاف نمی‌شود، بلکه سبب تحکیم وحدت می‌گردد و همان طوری که بین خود فرق چهارگانه اهل تسنن اختلاف وجود دارد اختلاف میان شیعه و سنی در خصوص ولایت اهل بیت علیهم السلام یک امر طبیعی است و به این معنا نیست که به روی همدیگر شمشیر بکشند، بلکه از طریق منطق و استدلال و ارجاع به قرآن و سنت و به دور از هرگونه تعصب می‌توان به حقانیت ولایت امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام به تفاهم رسید. چون ولایت و رهبری چیزی نیست که به دست فراموشی سپرده شود زیرا که سرنوشت جامعه و حکومت اسلامی وابسته به آن است. چشم پوشی از گفتن یک سلسله حقایق در قرآن و گفتار اهل بیت علیهم السلام چشم پوشی از سعادت کل مسلمین است و وحدت اسلامی این نیست که فرقه‌های اسلامی به خاطر وحدت از اصول اعتقادی خود صرف نظر نمایند.

اغلب احادیث و روایاتی که در اثبات حقانیت مکتب ما است از علماء و دانشمندان بزرگ اهل تسنن و در کتاب‌های معروف خودشان به دست ما رسیده است. به عنوان مثال حدیث مشهور سفینه نوح علیه السلام از ۹۰ نفر از علماء اسلامی که همگی از علمای معروف و بزرگ اهل تسنن بوده‌اند، نقل شده است. حدیث معروف تقلین که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روزهای آخر عمر شریف خود فرموده از حدود ۲۰۰ نفر از علمای اهل تسنن نقل گردیده است. همچنین حدیث منزلت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند از ۱۰۰ سند که همگی از علمای اهل تسنن است روایت شده است.

در هر حال ما شیعه هستیم و افتخار پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را داریم و از کوچک ترین چیزی در خصوص آنها اغماض نخواهیم کرد. بنابراین اگر بحث‌ها دور از هرگونه تعصب و متکی به مدارک مورد قبول طرفین باشد باعث پیشرفت فرهنگ اصیل اسلام و روشن شدن اذهان کسانی می‌شود که از فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام بی‌خبرند. چراکه افراد روشن فکر زیادی از اهل سنت دیده شده‌اند که پس از بررسی و مطالعه دقیق مکتب اهل بیت علیهم السلام به حقانیت این مکتب روح بخش و با چشمه آب زلال و گوارای اهل بیت علیهم السلام تشنگی خود را به سیرابی همیشگی تبدیل نموده و پیرو واقعی اهل بیت علیهم السلام شدند.

آیه شریفه ﴿اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم﴾^۱ «خداوند و رسول و اولی امر خویش را اطاعت کنید» حداقل هر مسلمان این احتمال را می‌دهد که خداوند بعد از شهادت پیامبر اکرم ﷺ برای امت اسلامی سرپرست و رهبری معین نموده و اگر کسی در شناختن آن مسامحه نماید عذری در پیشگاه پروردگار نخواهد داشت. بنابراین وقتی خداوند اطاعت ولی امر را واجب می‌شمارد آیا این کار بدون شناخت امام ممکن است؟ رسول الله ﷺ فرمود: "من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة"^۲ هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد با مرگ جاهلیت مرده است.

ضرورت شناخت ولایت اهل بیت علیهم السلام

مکتب تشیع ولایت و امامت را یکی از اصول دین و امتداد توحید و نبوت می‌داند و بر هر مسلمانی تکلیف شرعی است که در باره این اصل مهم اعتقادی تحقیق کند و گمان نبرد که مسأله امامت یک حادثه تاریخی بوده که در گذشته اتفاق افتاده و حالا اگر کسی هم از تاریخ و حوادث گذشته بی اطلاع باشد بجائی برخورد نمی‌کند، بلکه موضوع ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چیزی است که همواره تا قیامت ادامه دارد و زمین بدون وجود آنها بر پا نخواهد بود "لو بقیت الارض بغير امام لساخت"^۳ اگر امام زمان بر روی زمین نبود زمین اهلش را به خود فرو می‌برد. آیا قرآنی که ﴿نزلنا عليك الكتاب تبياناً لكل شيء﴾^۴ «توضیح همه چیز در قرآن است» می‌توان باور کرد در خصوص مسأله ولایت که در درجه اول از اهمیت قرار دارد بی تفاوت و خاموش باشد؟

علمای اهل سنت مانند حافظ ابونعیم و احمد بن حنبل (رهبر حنبلی ها) در کتاب مسند و محمد بن طلحه شافعی در مطالب السؤال، ابن عساکر و محدث شام در تاریخ خود، محمد بن یوسف گنجی شافعی در اول باب ۶۲ کفایت الطالب، خواجه کلان سلیمان بلخی در باب ۲۲ ینایع الموده از طبرانی نقل می‌کنند که ابن عباس گفت: "نزلت في علي [عليه السلام] اكثر من ثلاثمائة آية في مدحه" در مدح حضرت علی علیه السلام بیش از سیصد آیه نازل شده است.

ابن مغالزی یکی دیگر از علمای اهل سنت در کتاب مناقب خود از رسول الله ﷺ نقل نموده که فرمود "ان القرآن اربعة ارباع فربع فينا اهل البيت خاصة وربع في اعدائنا وربع حلال و حرام وربع فضائل و احكام و قصص و الله انزل فينا كرائم القرآن"^۵ قرآن چهار بخش است: یک چهارم آن در خصوص ما اهل

۱- سوره نساء آیه ۹۵.

۲- مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۲۱۲ وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۴۶.

بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۵۸ ینایع الموده ج ۳ ص ۳۷۲.

۳- بصائر الدرجات ص ۵۰۸ الکافی ج ۱ ص ۱۷۹ علل الشرایع ج ۱ ص ۱۹۸.

امالی شیخ صدوق ص ۳۰۶ (با کمی تغییر).

۴- سوره نحل آیه ۸۹.

۵- مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ابن مغالزی شافعی مخطوط به نقل از شرح احقاق الحق ج ۱۴ ص ۷۰۱.

بیت می‌باشد و یک بخش در مورد دشمنان ماست و بخشی در باره حلال و حرام و یک بخش در خصوص اخلاق و احکام و داستانهای پیامبران است و خداوند کلمات و نامهای خوب و پاک در قرآن را در شأن ما نازل نموده است.

دلائل نیاز به ولایت اهل بیت علیهم السلام

واسطه فیض

بزرگ ترین هدف انسان رسیدن به کمال و اتصال به عالم معنا است، مسلماً هیچ کس به تنهایی و بدون رابط و راهنما نمی‌تواند این راه مهم را طی کند.

نقش اهل بیت علیهم السلام نقش وساطت و راهنما است و چون آنها از مقام عصمت برخوردارند و خود این مسیر را پیموده و به هدف نهایی و اصلی رسیده‌اند بنابراین برای کسانی که لیاقت سیر الی الله را دارند واسطه فیض می‌گردند و به عنوان پیشرو قافله دست پیروان خود را گرفته از مهلکه‌ی هوسها و شهوات زمینی رهایی داده و به عالم ملکوت آسمانها سوق می‌دهند. حضرت رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الائمة من ولد الحسین من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله، هم العروة الوثقی و هم الوسيلة الی الله عزوجل» «ائمه اطهار علیهم السلام از اولاد امام حسین علیه السلام هستند، هرکس از آنها اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هرکس با آنها مخالفت و عصیان نماید خدا را معصیت کرده، آنها عروة الوثقی (دستگیره محکم) و وسیله برای سیر الی الله می‌باشند.»

خداوند می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» «ما راه را به انسان نشان داده ایم که یا سپاسگزار و یا کفران پیشه است». این راه همان شریعت آسمانی است که توسط راهنمایان و امامان به بشر نشان داده می‌شود.

قاعده لطف خداوندی و نقش امام در هدایت بشر

تمام موجودات در احاطه لطف و مهر وسیع پروردگار هستند. آیا خدایی که در آفرینش انسان، به تمام ریزه کاری‌های خلقتش دقت کرده و آنچه را که استحقاقش را داشته به او داده چگونه ممکن است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را رها کرده باشد؟ طبق قاعده لطف حتماً خداوند بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای امت سرپرست و رهبری را در نظر گرفته است، چرا که قرآن دارای محتوای بلند و آیات محکم و متشابه است، برای همه کس فهم و درک آن مقدور نیست و چه بسا افراد کم اطلاع با اکتفا به ظاهر بعضی آیات به انحراف و گمراهی کشیده شوند، بنابراین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام که منصوب از جانب

پروردگارانند و از مبدأ وحی و الهام مدد می گیرند و از بطن و درون قرآن باخبرند باید در مقام تفسیر و تأویل قرآن برآیند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «برای قرآن ظاهری و باطنی است. ظاهرش حکم و باطنش علم است، ظاهری زیبا و باطنی ژرف و عمیق دارد.»^۱ خلاصه آنکه تنها رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام می توانند همه ابعاد آیات قرآن را دریابند و چون معصومند از هر لغزش و خطایی در امان خواهند بود. «اما يعرف القرآن من خوطب به» «تنها پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او که مخاطب اصلی قرآنند می توانند همه حقایق قرآن را درک کنند.»^۲

پس از بررسی حدیث معروف ثقلین "انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيتي ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابدا و انما لن يفترقا حتى يردا على الحوض" «در میان شما دو امانت گرانبها، قرآن و عترت اهل بیت خود در میان شما می گذارم تا وقتی که به این دو تمسک می کنید گمراه نمی شوید. این دو یادگار من هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا بر من کنار حوض کوثر وارد گردند.»^۳

حالا که متوجه شدیم که ائمه معصومین علیهم السلام واسطه فیض بین خالق و مخلوق هستند و تنها ایشانند که از ژرفای قرآن با خبرند این نتیجه به دست می آید که این بزرگواران غیر از آموزش احکام و هدایت ظاهری یک نوع هدایت باطنی نیز دارند. یعنی با نفوذ در باطن وجود اشخاص لایق و مستعد، آنها را به سوی کمال واقعی سوق می دهند.

در احوالات علماء برجسته شیعه عنایات سری و مخفیانه امامان علیهم السلام به خصوص در مواقع حساس و برخورد با دشمنان مشاهده می شود، بی تردید هر نوع توفیق و جذبه ی روحانی که به دل های دوستان اهل بیت علیهم السلام به وجود آید همان تصرف امام معصوم علیه السلام بر باطن آنهاست. شاهد این حقیقت، مردمی هستند که در عین بی خبری و عامی بودن که گاهی به مناسبت های مختلف ارتباط با ائمه علیهم السلام برقرار می کنند و راهنمایی های لازم را از آنها فرا می گیرند و گاهی به صورت معجزه، گره از کارشان باز می کنند.

کتاب حاضر

تهیه و چاپ این کتاب هشت سال طول کشید و با بررسی کتاب های زیاد سنی و شیعه آیات مربوط به امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام از سوره حمد تا ناس ۲۰۲۵ آیه جمع آوری گردید، البته سعی فراوان شد که آیه ای در این زمینه از قلم نیفتد به همین جهت تکمیل آن زمان زیادی برد ولی از آنجائیکه عظمت و فضائل و کرامات امیرالمؤمنین و چهارده معصوم علیهم السلام آنقدر ژرف و عمیق و عظیم است که فکر می کنم این کتاب قطره ای از دریا است و با پیاله کوچکی نمی توان آب دریا را کشید و چنانچه آیات دیگری در قرآن موجود

۱- النوادر راوندی ص ۱۴۴ بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۳۴.

۲- الکافی ج ۸ ص ۳۱۲ بحار الانوار ج ۲۴ ص ۲۳۸.

۳- الاحتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۸۸ الارشاد شیخ مفید ج ۱ ص ۲۳۳ بحار الانوار ج ۲ ص ۱۰۰.

مسند احمد ج ۳ ص ۱۴ مسند ابی یعلی ج ۲ ص ۳۰۳ (هر دو با کمی تغییر).

باشد که از ذهن و چشم و فهم این حقیر دور مانده است، امیدوارم که حضرت امیرالمؤمنین و امام زمان علیه السلام به لطف و بزرگی خود مرا ببخشند. چون این هشت سال تنها به عشق آنها نشستم و به بررسی و تفحص و تهیه مطالب این کتاب پرداختم و بیشتر اوقات با مساعدت و کمک آنها به مطالب مورد نظر دسترسی پیدا نمودم، لذا این کتاب را به معشوقان حقیقی خود، یعنی به خداوند مهربان و الرسول البشیر النذیر صلی الله علیه و آله و سلم و مولی الموحدين الغر المحجلین امیرالمؤمنین علیه السلام و بی بی دو عالم فاطمه زهرا علیها السلام و امامی الهدی و مصابیح الدجی، سفینه النجات الحسن و الحسین علیهما السلام و التسعه من ذریه الحسین و باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام و امام زمان روحی و روح العالمین لتراب مقدمه الفداء اهداء می نمایم و ثواب آنرا به والدین مرحوم اهداء می نمایم و از خوانندگان عزیز می خواهم که در آخر صلواتهای خود، عبارت "و عجل فرجهم" اضافه نمایند تا در ثواب این کتاب شریک گردند.

به هر حال از خداوند منان و چهارده معصوم علیهم السلام به ویژه صاحب ولایت مطلقه و فرمانده کل دو عالم حضرت امیرالمؤمنین و امام زمان علیهما السلام مسئلت دارم که این کتاب را مورد قبول قرار دهند و ما را در دنیا و آخرت از الطاف خود بی نصیب ننمایند.

معجزات قرآن در خصوص ائمه اثنا عشر

اگرچه قرآن از هر زاویه و مطلب که مورد بحث و بررسی قرار گیرد می توان در موردش کتابها نوشت و ائمه معصومین علیهم السلام فرموده اند که اگر حروف مقطع قرآن را باهم جمع نمایند و حروف تکراری را حذف کنند این جمله بدست می آید: "طریق علی حق نمسکه" «راه علی علیه السلام حق است به آن چنگ می زنیم» لذا یکی از اندیشمندان یمنی نیز پس از تدبر و تفحص در قرآن در تحقیقی پیرامون معجزات این کتاب آسمانی به این نتیجه رسیده که دوازده کلمه ذیل که نام یا در رابطه با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام یا همدریف نامهای شریف آنها می باشد هر کدام دوازده بار به تعداد ائمه هدی علیهم السلام در قرآن تکرار شده که این خود یکی از معجزات کتاب آسمانی و اثبات حقانیت ولایت بر حق و بلافصل آنها از سوی پروردگار بشمار می آید:

«امام» این کلمه و مشتقات آن دوازده بار به تعداد ائمه اثنا عشر علیهم السلام در سوره ها و آیات ذیل تکرار شده است: (الحجر ۷۹، یس ۱۲، البقره ۱۲۴، هود ۱۷، الفرقان ۷۴، الاحقاف ۱۲، الاسراء ۷۱، التوبه ۱۲، الانبیاء ۷۳، القصص ۵ و ۴۱ السجده ۲۴).

«خليفة» این لفظ و مشتقات آن دوازده بار تکرار شده است:

(البقره ۳، و ۲۶، الانعام ۱۶۵، یونس ۱۴ و ۷۳، فاطر ۳۹، الاعراف ۶۹ و ۷۴، النمل ۶۲، الفرقان ۶۲، التوبه ۸۷ و ۹۳).

«اصطفى» این لفظ و مشتقات آن دوازده بار به تعداد ائمه هدی علیهم السلام آمده است:

(آل عمران ۳۳ و ۴۲ (دوبار)، النمل ۵۹، الزمر ۴، الصافات ۱۵۳، البقره ۲۴۷ و ۱۳۰ الاعراف ۱۴۴، فاطر ۳۲، الحج ۷۵، ص ۴۷).

«اجتبی» این فعل و مشتقات آن به تعداد ائمه اثناعشر علیهم السلام دوازده مرتبه تکرار شده است:

(القصص ۵۷، الحج ۷۸، النمل ۱۲۱، طه ۱۲۲، القلم ۵۰، الاعراف ۲۰، مریم ۵۸، الانعام ۸۷، آل عمران ۱۷۹، الشوری ۱۳، یوسف ۶، التوبه ۳۵).

«یعصم» این لفظ و مشتقات آن دوازده بار به تعداد ائمه معصومین علیهم السلام ذکر شده: (المائده ۶۷، الاحزاب ۱۷، هود ۴۳ (دوبار)، النساء ۱۴۶ و ۱۷۵، آل عمران ۱۰۱ و ۱۰۳، الحج ۷۸، یوسف ۳۲، یونس ۲۸، غافر ۴۳).

«الوصیه» این کلمه دوازده بار به تعداد ائمه اثناعشر علیهم السلام آمده است:

(الشوری ۱۲ و ۱۳، الانعام ۱۴۴ و ۱۵۲ و ۱۵۳، النساء ۱۱ و ۱۳۱، العنکبوت ۸، لقمان ۱۴، الاخفاف ۱۵، النساء ۱۲).

«الشهداء» این کلمه دوازده مرتبه در قرآن ذکر شده است:

(غافر ۵۱، النساء ۴۱ و ۶۹، النمل ۸۴ و ۸۹، الحج ۷۸، القصص ۷۵، البقره ۱۴۳، المائده ۴۴، آل عمران ۱۴۰، الزمر ۹۶، هود ۱۸).

«حنیف» این لفظ و مشتقات آن به تعداد ائمه هدی علیهم السلام دوازده بار آمده است:

(البقره ۱۳۵، آل عمران ۶۷ و ۹۵، النساء ۱۲۵، الانعام ۷۹ و ۱۶۱، یونس ۱۰۵، النمل ۱۲۰ و ۱۲۳، الروم ۳۰، الحج ۳۱، البینه ۵).

«النجم» این لفظ (النجم و النجوم) به تعداد ائمه معصومین علیهم السلام دوازده مرتبه تکرار شده و لفظ «النجم» در آیه (النجم و الشجر یسجدان) مراد گیاه کوچک بدون ساقه است که در لسان العرب آمده است به همین جهت این کلمه بعنوان ستاره منظور نشده است:

(النمل ۱۶، النجم ۱، الطارق ۳، الانعام ۹۷، الاعراف ۵۴، النمل ۱۲، الحج ۱۸، الصافات ۸۸، الطور ۴۹، الواقعة ۷۵، المرسلات ۸، الکویر ۲).

«آل» این لفظ دوازده بار ذکر شده است:

(البقره ۲۴۸ (دوبار)، آل عمران ۳۳ (دو بار)، النساء ۵۴، یوسف ۶، الحجر ۵۹ و ۶۲، مریم ۶، النمل ۵۶، سبأ ۱۳، القمر ۳۴).

«القربی» این لفظ به تعداد ائمه اثناعشر علیهم السلام دوازده مرتبه تکرار شده است :

(البقره ۸۳ و ۱۷۷، النساء ۸ و ۳۶ (دو بار)، الانفال ۴۱، النمل ۹۰، الاسراء ۲۶، النور ۲۲، الروم ۳۸، الشوری ۲۳، الحشر ۷).

سوالی که در پایان این مقدمه بنظر می آید این است که اهل سنت در کتابهای خود به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نوشته اند که آیه "یا ایها الذین آمنوا" سیصد بار در قرآن ذکر شده که امیرالمؤمنین علیه السلام مولی و

امیر و سرور و اول مؤمنان می‌باشد و این سیصد آیه غیر از آیات فراوان دیگری است که در این کتاب آمده و آنرا به امیرالمؤمنین علیه السلام مربوط و منتسب نموده‌اند. آیا این همه دلایل و برهانها جهت اثبات حقانیت آن امام همام کافی نیست که آنان بخود آیند و با تفکر و تدبر طریق خود را جهت نجات در دو سرا تغییر داده و از دریای ژرف و گوارای ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قطره‌ای بنوشند که مطمئنا اگر آزاده اندیش باشند و عناد و تعصب جاهلیت را کنار بگذارند حتما حلاوت و شیرینی حقانیت این ولایت تا اعماق وجود آنها نفوذ خواهد نمود و برای همیشه آنها را سیراب خواهد کرد و نخواهد گذاشت که به عقب و قهقرا بر گردند و راه تعالی بسوی سر منزل مقصود زیر سایه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام طی خواهند نمود. البته حقیر مخصوصا اسم این کتاب را بنام "اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از قرآن و سنت" گذاشته ام چون ولایت بر حق و بلافصل آن امام بزرگوار و ائمه هدی علیهم السلام را از قرآن و کتابهای سنی و شیعه ثابت کرده ام تا این کتاب بعنوان یک سند محکم بر سندهای محکم دیگر شیعه برای اثبات ولایت بر حق حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد.

اللهم عجل لوليک الفرج

عبدالصمد ساکی

بهار ۱۳۹۰

www.ketab.ir